

سهم گیلانیان در زبان و ادب فارسی

احمد سمیعی (گیلانی)

در سرزمین گیلان، زبان‌های محلی متعددی وجود دارد که به گروه گویش‌های کرانه دریای خزر متعلق‌اند؛ اما ابزار ارتباط زبانی همه گیلانیان گویش‌های بیه‌پس و بیه‌پیش است که به هم بسیار نزدیکند. سد البرز، که به لحاظ جغرافیایی، گیلان را از نواحی مرکزی ایران، طی قرون گذشته، جدا نگه داشته، باعث انزوای نسبی اقوام گیل و دیلم شده است.

هرگاه بخواهیم از راه آثار زبانی گیلانیان، رد و نشانه‌ای از ارتباط مردم این سامان با فارسی‌زبانان بیابیم، پیش از عصر صفویه به شواهدی اندک برمی‌خوریم. آثار مکتوب فارسی گیلانیان پیش از این عصر انگشت‌شمار و عموماً متعلق به کسانی است که، برای تحصیل علم یا به قصد زیارت اماکن مقدس و بزرگان دین و دانش و تصوف، زادگاه خود را ترک گفته‌اند و در بیرون از مرزهای گیلان به تصنیف و تألیف دست زده‌اند. باری، در سراسر گیلان، پیش از آن دوره، مرکزی آموزشی وجود نداشت که زبان فارسی در آن تعلیم داده شود یا ولی نعمتانی که مشوق فارسی‌گویان و پارسی‌نویسان باشند. حتی، در چند قرن اخیر، طالقانی‌ها بودند که در شهر رشت و شاید مراکز شهری دیگر و بقعه‌ها مکتب‌هایی تأسیس کردند که در آنها به کودکان مکتبی قرآن و خواندن و نوشتن می‌آموختند.



دربارهٔ ارتباط گیلانیان با مردم بیرون از مرز و بوم خود این نکتهٔ مهم را باید به خاطر سپرد که سرزمین گیلان، در پرتو همان شرایط انزوآفرین جغرافیایی برای متواریان، مأمن و مأوی مطمئنی شمرده می‌شد و این برای بومیان موهبتی بود؛ زیرا پناهندگان عموماً از فرهیختگان بودند و با سرمایهٔ دانش و ادب به میهمانی مردم گیلان می‌آمدند. بدین‌سان، برای جویندگان علم و معرفت فرصت‌های خجسته‌ای پدید می‌آمد تا از این منابع رایگان بهره‌گیرند بی‌آنکه برای دانش‌اندوزی به ترک یار و دیار نیاز پیدا کنند.

در عصر صفویه، گیلان با دیگر نقاط ایران و بیرون از ایران ارتباط وسیع‌تر و زنده‌تری یافت. بخش عمدهٔ آثار فارسی مکتوب شاعران و دانشمندان گیلان به این عصر و دوره‌های پس از آن تعلق دارد. می‌دانیم که شیخ صفی‌الدین اردبیلی، که در قرن هفتم/هشتم ق می‌زیست و سلاطین صفوی به او منتسبند و نام سلسله نیز از نام او گرفته شده است، مرید شیخ زاهد گیلانی بود و نزدیک بیست و پنج سال در خدمت او به سر برده بود و پس از وفات شیخ، جانشین او شد. همچنین می‌دانیم که در عصر صفوی راه‌های ارتباطی سهل‌العبوری برای دسترسی به خطهٔ شمال ایران احداث شد و هم در این عصر بود که نخستین بار در تاریخ ایران اسلامی، سراسر کشور زیر لوای حکومت مرکزی مقتدری درآمد. همهٔ این عوامل در کنار هم برای رشد علمی و فرهنگی مردم گیلان زمینهٔ مساعدی فراهم آورد و سبب شد آثار متعدد باارزشی در حوزه‌های متنوع علمی، ادبی، فلسفی، کلامی و عرفانی به زبان‌های عربی و فارسی به قلم شاعران، نویسندگان و مؤلفان گیلانی پدید آید. این نکته را نیز طرداً للباب خاطر نشان سازیم که امیران محلی و امیرزادگان اوقات فراغت خود را، که کوتاه هم نبود، تنها به شکار، بازی چوگان، نرد و شطرنج و این قبیل تفنن‌ها نمی‌گذراندند. کسانی از آنان اهل شعر و ادب نیز بودند. شعر می‌خواندند و شعر گرد می‌آوردند و طبع‌آزمایی می‌کردند. در لباب‌الالباب عوفی فصلی به این دسته از سرایندگان اختصاص یافته است. در روزگار ما نیز، از میان خانان و خانزادگان شاعرانی سراغ داریم که در عصر قاجاریه پرشمار و از آن پس اندک شمارند. در دستگاه بعضی از شاهزادگان قاجار و حکام آن سلسله، انجمن‌های ادبی نیز تشکیل می‌شد.



- پیش از روزگار صفویان نیز، آثار فارسی و عربی به قلم سرایندگان و نویسندگان گیلانی سراغ داریم که، هر چند به شمار اندک، پر ارزشند:
- مهیار دیلمی [ابوالحسن مهیار بن مرزویه دیلمی] (وفات: ۴۲۸)، شاعر و کاتب. هر چند از او آثاری به زبان فارسی برجای نمانده، در اشعار خود از اعیاد ملی ایرانیان، چون مهرگان و نوروز، یاد کرده و بارها ایرانیان را ستوده و به ایرانی بودن خود بالیده است.
- ابوالهیجاء اردشیر بن دیلمسپار نجمی، شاعر نیمه دوم قرن پنجم هجری، که در مقدمه بعض نسخ لغت فرس اسدی طوسی از او نام برده شده و به نقل از اسدی آمده که آن کتاب به خواهش او تألیف شده است. همچنین نسخه‌ای کهن مورخ ۵۰۷ هجری از ترجمان البلاغه محمد بن عمر رادویانی، قدیم‌ترین اثر فارسی در بدیع و بلاغت که تاکنون به دست آمده، به خط او در کتابخانه فاتح استانبول محفوظ است که به اهتمام احمد آتش در سال ۱۹۴۹ به طبع رسیده است.
- عبدالقادر گیلانی [محمی الدین ابومحمد عبدالقادر بن ابی صالح گیلانی]، که چند ده هزار مستمع پای وعظ او می‌نشستند و چند صد نفر از سخنان او یادداشت برمی‌داشتند. سخنانش چندان مؤثر بود که عده‌ای از یهودیان و مسیحیان در اثر تبلیغ او به اسلام گرویدند. طریقت او در متصرفات و در هند نشر یافت.
- بونصر احمد بن ابراهیم، شاعر و مورخ عصر سلجوقی، از اهالی طالقان دیلم که، به قول عوفی در لباب‌الالباب، بر زبان‌های فارسی و عربی تسلط داشته و به این هر دو زبان شعر می‌سروده است.
- شیخ جمال‌الدین گیلانی ملقب و مشهور به عین‌الزمان (وفات: ۶۵۱ قزوین)، از بزرگان صوفیه و از مریدان مقرب شیخ نجم‌الدین کبری بود و از او لقب گرفت. حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده و جامی در نفحات الانس از او یاد کرده‌اند. گفته‌اند که در شعر عربی و فارسی دستی قوی داشته است.
- زاهد گیلانی [شیخ تاج‌الدین ابراهیم] (۶۱۵ سیاورود گیلان، رجب ۷۰۰)، که شیخ صفی به دست او توبه کرد و از مریدان او شد. غازان خان (سلطنت: ۶۹۴-۷۰۳)، هفتمین پادشاه سلسله



ایلخانیان، اعتقادی خاص به او داشت و شفاعت او را در حق ملک‌احمد، اسپهبد گیلان پذیرفت. وی شیخ صفی را به جانشینی خود برگزید و او را بر پسرش، جمال‌الدین علی، ترجیح داد.

- عمید دیلمی (۷۹۲-۷۳۸) ملقب به فخرالدوله یا فخرالملک و متخلص به «عمید»، مناظره‌هایی از قبیل مناظره شمشیر و قلم، بنگ و شراب، که از اواخر قرن پنجم در شعر فارسی رواج یافت، با اشعار عمید دیلمی در هند رونق گرفت.

- شرفشاه دولایی - معروف به پیر شرفشاه، شاه شرف، پیر شرف‌الدین، سیدشرفشاه گیلانی. دیوان نویافته‌ای او، که در قرن نهم (مورخ غره ذی‌حجه ۸۹۸) کتابت شده و نسخه منحصر به فرد آن است و در کتابخانه آکادمی بوخارست حفظ می‌شود، مشتمل است بر ۷۸۸ دو بیتی و چند تک بیت به زبان محلی. نسخه عکسی این دیوان را، که به همت محمدعلی صوتی تهیه شده، بنیاد فرهنگ ایران در سال ۱۳۵۸ به چاپ رسانده است. قصیده‌ای فارسی از شمس‌الدین شرفشاه در *مونس الاحرار فی دقائق الاشعار* (۷۴۱ ق) نقل شده است. از محمدتقی دانش‌پژوه نیز روایت شده که در فهرست نسخه‌های خطی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، جنگ شعری بی‌نام صاحب آن حاوی اشعار ۳۴۶ شاعر از جمله شمس‌الدین شرفشاه وجود دارد که شاید همین *مونس الاحرار* باشد.

منوچهر پسر شرفشاه که در *مونس الاحرار فی دقائق الاشعار* محمدبن بدر جاجرمی غزلی به نام او نقل شده است.

- شیخ میرزا احمد رشتی معروف به استادی، عارف قرن نهم هجری، شاگرد شمس مغربی. وی به اجازه استادش، بر جام جهان‌نمای او شرح نوشت که فیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران محفوظ است. وی به فارسی و عربی شعر می‌سرود و تخلص وی «رضا» تخلص بود.

- محمود پسیخانی گیلانی (وفات: ۸۳۱) مبدع مذهب نقطوی. کتاب *میزان* از اوست. دبستان *مذهب* نخستین منبعی است که در آن از وی و افکارش بحث شده است.

- عبدالکریم گیلانی یا جیلانی یا جیلی (۷۶۷- حدود ۸۳۲)، از اعقاب عبدالقادر گیلانی و از پیروان ابن عربی. در حدود سی کتاب و رساله نوشته است.

- خیرالدین خلیل بن ابراهیم، ریاضی‌دان نیمه دوم قرن نهم هجری. از او آثاری در حساب بجا مانده از جمله *کنوز ارباب قلم* و *مصباح روموز اصحاب رقم* به زبان فارسی که به سلطان محمد



فاتح (سلطنت: ۸۵۵-۸۶۶) تقدیم شده است. شاگردش، پیرمحمد صدقی، آن را به عربی و ترکی برگرداند که نسخه‌ای از آن در کتابخانه ملی پاریس محفوظ است. از اثر دیگر او در حساب، به نام مشکل‌گشای حساب و معضل‌نمای کتاب، نسخه‌ای خطی در کتابخانه ایاصوفیای استانبول نگهداری می‌شود.

- خواجه محمود گاو، شهرت خواجه عمادالدین محمود (۸۰۸- مقتول: ۸۸۶)، امیر و وزیر مشهور ایرانی در دستگاه امارت سلاطین بهمنی در هند. وی با مولانا جامی مفاوضاتی داشت. مناظر الانشاء در فن انشاء و روضه الانشاء (یا ریاض الانشاء) حاوی نمونه‌های مراسلات از جمله نامه‌هایی خطاب به جامی از تألیفات اوست که به ترتیب در ایران (به تصحیح معصومه معدن‌کن، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۸۲) و هند (به تصحیح غلام یزدانی، حیدرآباد دکن ۱۹۴۸) به چاپ رسیده است.

- سیدظهیرالدین مرعشی، مورخ و امیر گیلانی متولد ۸۱۵ هجری. وی از خاندان سادات مرعشی (مرعشیه مازندران) است. تاریخ طبرستان و رویان و مازندران (۸۸۱ ق) و نیز تاریخ گیلان و دیلمستان (۸۸۱ ق) را برای پسر سلطان محمد، کارکیا میرزا علی لاهیجی (سلطنت: ۸۸۱ یا ۸۸۳-۹۰۹ یا ۹۱۰)، تألیف کرد. وی شاهد عینی اغلب حوادثی بود که نقل کرده است. تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، به تصریح مؤلف در مقدمه، مطالب تاریخ طبرستان از علی بن جمال‌الدین رویانی (نیمه دوم قرن نهم هجری) و تاریخ رویان مولانا اولیاءالله آملی را دربردارد و دو فصل، یکی در ذکر حکمرانی ملک کیومرث رستم‌داری و فرزندان او و دیگری در بیان خروج سید قوام‌الدین مرعشی و استیلای اخلاف او، بر آنها افزوده شده است. قسمت عمده مطالب تاریخ طبرستان و رویان و مازندران عین محتویات تاریخ طبرستان ابن اسفندیار (حدود ۶۱۳ هجری) است. این کتاب در پترسبورگ (۱۸۵۰) و تهران (۱۳۳۳ش) چاپ و منتشر شده است. تاریخ گیلان و دیلمستان ابتدا مشتمل بوده است بر یک مقدمه و شش باب که سپس مؤلف باب هفتمی در ذکر حوادث سال‌های ۸۸۱-۸۹۴ بر آن افزوده است. این کتاب به اهتمام رابینو با مکاتیب‌خان، احمدخان گیلانی در رشت به چاپ رسیده است؛ همچنین به تصحیح منوچهر ستوده و به نفقه بنیاد فرهنگ ایران منتشر شده است (تهران ۱۳۴۷).

- علی بن شمس‌الدین بن حاجی حسین لاهیجی (وفات: بعد از ۹۲۲) مورخ اواخر قرن ۹ که در دربار سلاطین کارکیائی بوده. وی تاریخ ایالت گیلان در سال‌های ۸۸۰-۹۲۰، به نام *تاریخ خانی* را به دستور سلطان احمدخان (۹۱۱-۹۴۳)، در فاصله نیمه محرم ۹۲۱ و نیمه صفر ۹۲۲ نوشت و در آن جزئیات حوادث تاریخی را در دنباله اثر ظهیرالدین مرعشی- که حوادث تا سال ۸۹۴ را دربردارد، آورد (حوادث ۱۴ سال در هر دو گزارش شده است).

تاریخ خانی حاوی شرح دوران اقامت شاه اسماعیل اول صفوی در گیلان پیش از جلوس به تخت سلطنت است. به قول قزوینی، کهن‌ترین مدرک مکتوب دال بر سیادت شیخ صفی‌الدین اردبیل است. روابط سلاطین کارکیا با پادشاهان صفوی در آن بررسی شده و مؤلف از هدایای مبادله شده میان آنها سخن گفته است. آداب و رسوم مردم گیلان نیز در آن وصف شده است. از آن نسخه‌هایی در کتابخانه ملی پاریس (شماره- معرفی در فهرست بلوشه و عکس آن در انستیتوی کتب آسیایی لنینگراد با حواشی دارن) و در انستیتوی کتب آسیایی لنینگراد (نسخه دست‌نویس مؤلف به شماره ۴۹۱ C که با خط نستعلیق خوش در ۳۵۸ برگ کتابت شده با اصلاحاتی در متن و حواشی به قلم سلطان احمدخان. این نسخه به نیکلای خانیکف تعلق داشته)؛ و در کتابخانه سید شهاب‌الدین تبریزی در قم (اکنون معلوم نیست در دست کیست) محفوظ است.

تاریخ خانی در ۱۲۷۴ به اهتمام برنهارد دارن، براساس نسخه نیکلای خانیکف، همراه با مقدمه‌ای به زبان آلمانی در ۴۰۴ صفحه، در پترسبورگ چاپ شد. پس از آن ملامحمد جعفر قزاداغی تعلیقاتی بر آن افزود.

چاپ دیگر آن بر اساس نسخه خطی مذکور به اهتمام دکتر منوچهر ستوده تصحیح شد که در آن بدخوانی‌های چاپ دارن اصلاح و فهرست‌هایی برای آن تهیه و تنظیم شده است. این تصحیح به همت بنیاد فرهنگ ایران (تهران ۱۳۵۲) منتشر شد.

- اسیری لاهیجی، شمس‌الدین محمد متخلص به «اسیر» (وفات: ۹۱۲)، شاعر و عارف. اشعارش حاوی مضامین عرفانی و اخلاقی است. *مفاتیح الاعجاز* در شرح گلشن راز شبستری و *اسرارالشهود* یا *مثنوی/سیری* از آثار مشهور اوست.



- شهودی لاهیجانی (وفات: ۹۲۷)، از شاعران اواخر دوران ترکان آق‌قویونلو. دارای دیوان است. از عصر صفوی به این سو، شمار آثار فارسی به قلم سرایندگان و نویسندگان گیلانی افزایش چشمگیری یافت و زبان فارسی، با وسعت تمام، به صورت زبان علمی و ادبی درآمد و زبان محلی را، که اشعار و به خصوص ترانه‌هایی بدان سروده می‌شد، تحت‌الشعاع قرار داد. این پدیده نه تنها در این مورد بلکه در همه موارد مشابه کاملاً معقول و طبیعی است. اثرآفرینان گیلانی کسانی بودند که به زبان‌های فارسی و عربی دانش‌اندوزی و ادب‌آموزی کرده بودند. به ویژه زبان شعر، در نظر آنان، تقریباً فقط و فقط زبان فارسی بود و می‌توان گفت آنان با شعر تنها از طریق این زبان آشنایی داشتند. به علاوه، شاعر و نویسنده و مؤلف طالب آن است که اثرش در مقیاس هر چه وسیع‌تر خواننده و خریدار پیدا کند و گویشوران اهل قلم طبعاً زبان فراگیر ملی را بهترین رسانه برای نیل به این مقصود می‌یابند. از سوی دیگر، انزوای نسبی گیلان مانع آن نبود که فرهیختگانی به انگیزه‌های گوناگون ترک دیار کنند و از قلمرو زبان محلی گام بیرون نهند. اینان، اگر از اهل طریقت و سلوک بودند، به قصد زیارت مرشدان و هم‌مسلمانان و سیر آفاق و انفس؛ و اگر تشنه علم بودند به عزم دسترسی به مراکز علمی و استادان؛ و اگر طالب مال و جاه بودند، به هوای نزدیکی به دستگاه‌های امارت و سلطنت و بهره‌مندی از حمایت ولی‌نعمتان راه سفر در پیش می‌گرفتند.

در عصر صفوی، بسیاری از شاعران و اهل طریقت و ارباب علم گیلانی را سراغ داریم که به ویژه راهی هند شدند و از حمایت شاهان و امرا و دولتمردان برخوردار گشتند و قدر و منزلت یافتند. دربار شاهان سلسله بهمنیه، که پادشاهان آن از ۷۴۸ در دکن فرمانروایی کردند، و سلسله‌هایی که، پس از تجزیه قلمرو بهمنیه در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری، ظهور کردند، به خصوص عادل شاهیه که بیجاپور و نظام شاهیه که احمدنگر و قطب شاهیه که گلکنده قلمرو آنان بود و متعاقباً آصف‌جاهیه که نخست اورنگ‌آباد سپس حیدرآباد کرسی آنها بود و از ۱۱۳۶ تا ۱۳۶۷ بر دکن فرمانروایی داشتند. همچنین دربار شاهان سلسله مغولی تیموریان یا گرکانیان هند که از ۹۳۲ تا ۱۲۷۴، نزدیک به سه قرن و نیم، در سرزمین هند حکومت کردند به صورت پناهگاهی امن و میزبانی شفیق و مهربان و مهمان‌نواز برای شاعران و ادیبان و دانشمندان

گیلانی درآمد. دربارهای همایون (۹۳۷-۹۶۳)، اکبرشاه (۹۶۳-۱۰۱۴)، جهانگیر (۱۰۱۴-۱۰۳۷)، شاهجهان (۱۰۳۷-۱۰۶۸) و اورنگ زیب (۱۰۶۸-۱۱۱۸) از این حیث ممتاز بود.

در حقیقت، دستگاه فرمانروایان هند، طی قرن‌های دهم تا سیزدهم، در حمایت از شاعران و عارفان و دانشمندان فارسی‌زبان بر دربار صفویان و جانشینان آن سلسله برتری نمایانی داشت. پادشاهان و درباریان هند به زبان و ادب فارسی علاقه فراوان داشتند. برخی از آنان خود اهل فضل و ادب و ذوق و هنر بودند.

یوسف عادل‌شاه (۸۹۵-۹۱۶)، فرمانروای بیجاپور دکن، خط نستعلیق نیکو می‌نوشت، بر عروض و قافیه وقوف تمام داشت، در علم موسیقی متبحر بود و طنبور و عود نیکو می‌نواخت. وی ارباب فنون را گرامی می‌داشت. در مجلس او شعر قدما خوانده می‌شد. گاهی خود او نیز شعر می‌سرود. نظام شاهیان احمدنگر دکن نیز حامی زبان و ادب فارسی و فرهنگ ایرانی بودند. بسیاری از ادیبان و شاعران ایران که در قرن‌های دهم و یازدهم به هند روی آوردند در خدمت همین پادشاهان به سر می‌بردند، آنان را مدح می‌کردند و با آنان رابطه دوستانه داشتند. سکندرشاه لودی (۸۹۴-۹۲۳)، دومین پادشاه سلسله لودیان دهلی، با شاعران مجالست داشت و خود صاحب طبع بود.

ظهیرالدین محمد بابرشاه (۹۳۲-۹۳۷)، بنیان سلسله گورکانیان هند، به صحبت علما علاقه وافر داشت. وی دارای طبع شعر و تخلصش «بابر» بود. دیوانش به طبع رسیده است. پسرش، همایون (۹۳۷-۹۶۳)، با ادیبان و شاعران و هنرمندان معاشرت داشت و شعر می‌سرود. دیوانی داشت که نسخه آن در کتابخانه اکبرشاه محفوظ بود. برادران او نیز شاعر بودند. وی، در بازگشت به هند، پس از پناهندگی به دربار شاه طهماسب صفوی (سلطنت: ۹۳۰-۹۴۸)، عده‌ای از شاعران و هنرمندان ایرانی را به همراه برد. اکبرشاه (۹۶۳-۱۰۱۴) در مرتبه‌ای از ترویج شعر فارسی جای داشت که هیچ‌یک از شاهان هند و ایران به آن نرسیده است. سپهسالار او، میرزا عبدالرحیم خان، در حمایت از شاعران و تشویق آنان با او رقابت می‌کرد. اکبرشاه برای سخنوران راتبه‌ای مقرر داشت و کسانی را بر تألیف و ترجمه از هندی به فارسی برگماشت. شاعران پارسی‌گو از هرات، مرو، مشهد، نیشابور، سبزوار، ترشیز، قائن، مازندران، گیلان، قزوین، تبریز، همدان، ری، قم، ساوه،



کاشان، کربلا، نجف و سامره به دربار وی روی آوردند. بدائونی، مورخ و شاعر هندی قرن دهم هجری، از ۱۷۰ شاعر ایرانی نام می‌برد که در زمان سلطنت اکبرشاه در هند شهرت یافتند. زبان فارسی در سال ۹۹۰، به فرمان اکبرشاه، زبان رسمی حکومت هد شد. جهانگیر (۱۰۱۴-۱۰۳۷) و بانوی تهرانش، نورجهان بیگم (وفات: ۱۰۵۵) شاعر و حامی شاعران بودند. جمال‌الدین حسینی فرهنگ جهانگیری را در سال ۱۰۳۳ به نام جهانگیر تألیف کرد. خود جهانگیر در نویسندگی چیره‌دست بود. خاطرات وی به نام تزوک جهانگیری سرشار است از وصف مناظر زیبای کشمیر و دیگر نقاط هند. دارا شکوه (وفات: ۱۰۶۹)، پسر و ولیعهد شاه جهان (۱۰۳۷-۱۰۶۸)، نویسنده و شاعری فاضل بود و با عارفان و شاعران مصاحبت داشت. جهان‌آرا بیگم (وفات: ۱۰۹۲)، دختر شاه جهان از بانو بیگم ملقب به ممتاز محل که تاج محل به یادبود او ساخته شده، مؤلف تذکره *مونس‌الارواح* در شرح حال مشایخ چشتیه است. وی طبع شعر داشت. بر سنگ قبرش در صحن مزار خواجه نظام‌الدین اولیاء، بیتی سروده خود او نگاشته شده است. اورنگ زیب (۱۰۶۸-۱۱۸) در ترسل مهارت و بر علوم ادبی وقوف تمام داشت. دخترش، زیب‌النساء بیگم، شاعر بود و «مخفی» تخلص می‌کرد.

در چنین شرایطی، روی آوردن فرهیختگان پارسی‌زبان به هند کاملاً طبیعی می‌نماید. بیهوده نیست که کلیم کاشانی آن دیار را دارالامان حادثه می‌خواند:

چرا نگویم دارالامان حادثه‌اش هند کشتی نوح و زمانه طوفانست
زهی جهان مروت که گر غریب اینجا هزار سال بماند عزیز مهمانست

در میان مهاجران عده درخور توجهی عارف و شاعر و دانشمند و مؤلف گیلانی را می‌یابیم که دست‌کم بخشی از آثار مکتوب خود را به زبان فارسی پدید آورده‌اند و جا دارد که، در این مقام، ضمن ذکر رجال گیلانی پارسی‌نویس عصر صفوی و دوران سلطنت نادر و زندیه و قاجاریه از شماری از آنان یاد کنیم.

در عصر صفویه و قاجاریه (جمعاً حدود ۴ قرن)، عده بسیاری از شاعران پارسی‌گو و ارباب دانش و ادب و فن گیلانی که به زبان فارسی می‌نوشتند ظهور کردند که در اینجا به معرفی چند تن از برجستگان آنان اکتفا می‌کنیم. در جمع اینان شاعر، حکیم و فیلسوف و متکلم، عالم دینی،

پزشک، منجم و ریاضی‌دان، موسیقی‌دان و خوشنویس می‌توان سراغ گرفت. بسیاری از آنان کسانی هستند که به هند مهاجرت کردند و از تشویق و حمایت پادشاهان آن سرزمین برخوردار گشتند:

- الهی گیلانی، مولانا محمد ملقب به سدیدالدین (مقتول: ۹۱۲)، پزشک، ادیب نکته‌سنج، شاعر، سیاستمدار و سردار توانا که در دستگاه کارکیا سلطان علی میرزا (تولد: ۸۴۷؛ آغاز سلطنت: ۸۸۳)، پسر کارکیا سلطان محمد (سلطنت: ۸۵۱-۸۸۳)، به وزارت رسید.

- بابا نصیبی گیلانی (وفات: ۹۴۴ تبریز). نسخه دیوان شعرش حاوی حدود ۱۵۰۰ بیت در کتابخانه ملی پاریس محفوظ است.

- قاضی عبدالله لاهیجی متخلص به «یقینی» عمّ قاضی یحیی لاهیجی، پدرش از مشایخ سلسله نوربخشیه بود. مدتی در خدمت شیخ شمس‌الدین محمد (اسیری) به سر می‌برد و سرانجام خلیفه او شد. صاحب ذوق شاعری و اهل حال بود. در توطئه‌ای به قتل رسید. در مخزن الغرائب اشعاری از او نقل شده است.

- قاضی یحیی لاهیجی (وفات: ۹۵۲ یا ۹۵۳)، برادرزاده قاضی عبدالله یقینی. وی مردی فاضل و درویش مسلک بود. در سلسله نوربخشیه به مقام شیخی رسید. چندی به امر قضا در لاهیجان اشتغال داشت. به هند سفر کرد و به دربار همایون (۹۳۷-۹۶۳) راه یافت و به سمت کتابداری سرافراز شد. مدتی مدید در کاشان اقامت داشت و از این رو به کاشی شهرت یافت. در مخزن الغرائب اشعاری از او نقل شده است. این بیت از اوست:

ای که از دشواری راه فنا ترسی مترس

بس که آسان است این ره می‌توان خوابید و رفت

با تاریخ وفاتش جمله /حیای سخن چو کرد یحیی جان داد بر سنگ قبرش نگاشته شده است.

- مالک دیلمی (۹۲۴-۹۶۹ قزوین)، خوشنویس عصر صفوی. چند تن از معروف‌ترین خوشنویسان ایران، شاگرد او بودند. میرعماد قزوینی را نیز در شمار شاگردان او ذکر کرده‌اند. در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول مرقعی با بهترین خطوط خوشنویسان و تصاویر و تذهیب‌های مصوران و مذهبان قرن‌های نهم و دهم محفوظ است که مالک، به خط خوش خود، بر آن



مقدمه‌ای در ترجمه خوشنویسان و تذهیب‌کاران و نقاشان نوشته است. از آثار دیگر او، یک نسخه مناجات حضرت امیر علیه‌السلام و یک نسخه مفردات نستعلیق، که به سال ۹۵۵ تحریر شده، در کتابخانه دانشگاه استامبول موجود است. در کتابخانه حاج سید نصرالله تقوی در تهران نیز یک نسخه باب *حادی عشر* که در ۹۵۶ هجری کتاب شده وجود داشته. همچنین آثاری از این خوشنویس در کتابخانه‌های لنینگراد و وین موجود است. مالک با علوم متداول زمان خود نیز آشنا بود و به شعر و موسیقی نیز می‌پرداخت.

- حکیم عبدالرزاق لاهیجی (وفات: ۱۰۰۴)، پزشکی حاذق بود. *خلاصه التشریح* به زبان فارسی از تألیفات اوست که آن را به همایون‌شاه (۹۳۷-۹۶۳) تقدیم داشته. از این کتاب نسخه‌هایی در پترسبورگ، هند، لندن و ایران موجود است.^۱

- حکیم مسیح‌الدین ابوالفتح گیلانی (حدود ۹۰۰-۹۹۷)، پسر مولانا حکیم عبدالرزاق لاهیجی. از تألیفات اوست: منشئات و رقعات موسوم به *چهارباغ*، شرح *اخلاق ناصری*، دیوان‌شعر، *الطب الاکبری* (نسخه آن محفوظ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی)، دو مثنوی به نام‌های *مظهر الاسرار* و *ضیاء النیرین* دارد. اشعارش در نسخه خطی جنگی متعلق به حسین مفتاح و هم در *کنوزالشعر* نقل شده است. به پیشنهاد او بود که ملا احمد تنوی (مقتول در ۹۹۶) دنباله *تاریخ الهی* را نوشت. - وحدت لاهیجی (جمال‌الدین علی) جد حزین وی، به درخواست خان احمدخان، شرحی فارسی بر کلیات *قانون ابن‌سینا* نوشت. مثنوی عارفانه *شیخ صنعان و ترسازاده*، که نسخه‌ای از آن مورخ ۱۲۰۹ موجود است، سروده اوست. دیوان شعرش، در دو هزار بیت، حاوی اشعار و غزل‌های نغز است.

- حکیم عین‌الملک دوائی (وفات: ۱۰۰۳)، کمال و شاعر و ادیب. در سفر حج، به دیدار زین‌خان اعظم کوکلتاش اکبرشاه نایل شد و به دعوت او به هند رفت و در دربار اکبرشاه به مناصب عالی رسید و استاد شاهزاده خرم شد. به فرمان اکبرشاه، به رسالت نزد راجه علی‌خان به برهان‌پور رفت و این مأموریت را به وجه مطلوبی اجرا کرد. سرانجام، به انزوا روی آورد و در هندیه مأوایی فراهم ساخت و تا پایان عمر در آنجا عزلت اختیار کرد و در سرزمین هند به خاک سپرده شد.

اشعاری از او در تذکره فاضای هروی (کتابخانه مرکزی دانشگاه، شماره ۲۴۶۶) و مضامین الشعر/ (همان جا، شماره ۲۵۰۴) نقل شده است.

- حکیم همام گیلانی (وفات: ۱۰۰۴ لاهور)، نجیب الدین فرزند حکیم عبدالرزاق لاهیجی و برادر کوچک حکیم ابوالفتح گیلانی، نخست همایون قلی نام داشت. به سال ۹۹۴، به اتفاق سید صدر جهان مفتی، به ایلچی گری نزد عبدالله خان ثانی ازبک (۹۹۱-۱۰۰۶) رفت و یک ماه پس از مرگ برادرش حکیم ابوالفتح (۹۹۷)، در نزدیکی کابل، به حضور اکبرشاه بار یافت. یک بار نیز، به عنوان سفیر، به دربار صفوی آمد. به منصب بکاول بیکی (خوان سالاری) نیز رسید. خط شناس و شعر دوست بود. در تألیف تاریخ الفی شرکت داشت. در مقبره حسن ابدال در راه کابل، کنار برادرش، به خاک سپرده شد.

- عبدالغفور بیک گیلانی (وفات: ۱۰۰۵)، سردار موسیقی دان و خوش ذوق از اهالی بیه پیش گیلان. وی صاحب تصنیفاتی در فن موسیقی بود. به روزگار زوال قدرت کیانیان ملاطی، به خدمت علی خان تولمی پیوست و در جنگ با فرهاد خان قرامانلو، که با سپاهی عظیم در گیلان بود، متواری گشت و سرانجام دستگیر و کشته شد.

- طالب گیلانی، یحیی جان فرزند مولانا احمد طیب گیلانی که در دستگاه کیانیان ملاطی مقامی والا داشت. وی در ادب نیز دست داشت. در شعر «طالب» تخلص می کرد. رساله ای در فن شعر نوشت. مدتی در خدمت خان احمد گیلانی (وفات: ۱۰۰۵) بود. در سال ۹۶۷، از جانب او به رسالتی نزد شاه طهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴) به قزوین رفت و در آن شهر بیمار شد و درگذشت.

- علی گیلانی فومنی، از سخنوران گیلان. وی چندی در حلب به سر برده و منظومه بلبل نامه را در حدود ۱۰۹۱ بیت ساخت (۹۷۵ ق).^۲ از او دو قصیده و یک رباعی (میکروفیلم شماره ۲۶۸۷ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) به دست آمده است.

- خان احمد گیلانی (۹۴۲-۱۰۰۹)، در عین جنگاوری، ادب دوست و هنرپرور بود. با فلسفه و ریاضی آشنایی و در موسیقی دست داشت. به فارسی شعر می سرود و برای غزل های خویش الحانی می ساخت. در دستگاه او، موسیقی دانان و منجمان فراهم بودند. مکاتیب او (یکصد و اند نامه)، ضمن تاریخ گیلان و دیلمستان سید ظهیرالدین مرعشی و هم جداگانه با عنوان نامه های



خان / احمدخان گیلانی به کوشش فریدون نوزاد به چاپ رسیده است. این مکتوبات حاوی مطالبی است روشنگر برخی از ابهامات تاریخ صفویان.

- نادم گیلانی (اواخر قرن ۱۰ و قرن ۱۱)، از شاعران غزل‌سرای گیلان. وی به نظیری نیشابوری (وفات: ۱۰۲۲) ارادت می‌ورزید و او را به استادی پذیرفت و نظیری او را به جهانگیر معرفی کرد.
- حکیم علی گیلانی (وفات: ۱۰۱۸)، ملقب به جالینوس الزمان. وی پزشک مخصوص اکبرشاه بود. یک بار، به عنوان سفیر، به بیجاپور رفت. از آثار وی شرحی است بر *قانون ابن سینا*. در تألیف *تاریخ النبی* شرکت داشت.

- عبدالفتاح فومنی (در حیات تا ۱۰۲۲)، مؤلف *تاریخ گیلان*، در اثر خود، حوادث نیم قرن گیلان زمین را که بیشتر خود ناظر آنها بوده روایت کرده است. *تاریخ گیلان* به همت دکتر منوچهر ستوده تصحیح شد و با حواشی سودمند به چاپ رسید (بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۴۹).

- مولانا حیاتی گیلانی (وفات: صفر ۱۰۲۸). وی، به فرمان جهانگیر، مثنوی تغلق‌نامه (در شرح جنگ‌های اعضای خاندان گورگانی) را، که امیر خسرو دهلوی (۶۵۱-۷۲۵) آغاز کرده بود، به پایان رساند. از او دیوانی در هفت هزار بیت و مثنوی *سلیمان و بلقیس* در سه هزار بیت و یک ساقی‌نامه بجا مانده است.

- فغفور گیلانی (وفات: ۱۰۲۹)، میر محمدحسین. دیوان شعر در چهار- پنج هزار بیت و رساله‌ای در حساب اصابع و اشعاری از نوع شهر آشوب (صفت گرجستان، صفت کلیسا و کشیش، صفت می‌فروش، صفت حمام، صفت دلاک) دارد.

- کمال‌الدین افضل بن یحیی گیلانی (معاصر شاه عباس اول: ۹۹۶-۱۰۳۸)، از او کتابی به فارسی در داروشناسی به نام *جامع الجوامع* بجا مانده که در فهرست ریو معرفی شده است.

- مولانا مخفی رشتی (معاصر شاه عباس اول: ۹۹۶-۱۰۳۸). ابیاتی از او در *مخزن‌الغرائب* نقل شده است که از ذوق لطیفش حکایت دارد.

- عبدالوحید سالکدهی (معاصر شاه عباس اول: ۹۹۶-۱۰۳۸)، اهل سالکده از توابع لاهیجان. از او اثری منثور در شرح *دعای صباح* به جای مانده که شیخ بهاء‌الدین املشی (۱۲۹۹ق - ۱۳۳۹ش)



آن را خریده بوده. این نسخه به عباس اقبال بخشیده شده است. عبدالوحید شعر نیز می‌سروده است.

- حکیم قراری لاهیجی (وفات: بین ۱۰۵۰ و ۱۰۵۲ بنگاله) هنر خوشنویسی را از میرعماد قزوینی آموخت و به شهاب‌الخطاطین معروف شد. شاه عباس او را به نوشته قرآن به خط نستعلیق مأمور کرد.

- سعید لاهیجی (معاصر جهانگیر: ۱۰۱۴-۱۰۳۷)، شاعر و نقاش و طراح زرینه و سیمینه. طراح تخت طاووس اوست.

- حکیم حاذق گیلانی (وفات: شوال ۱۰۶۸ ابرآباد). از او *پادشاه نامه* و *دیوان اشعار* بجا مانده است. صائب به فصاحت و بلاغت او اعتراف دارد. از او پنج مثنوی به نام‌های *گنج طلسم*، *ظل المبین*، *بهار خلد*، *تمسک نجات*، *طور تجلی* و *دو ساقی نامه* بجا مانده است.

- نظام‌الدین احمد گیلانی (وفات: ۱۰۵۹). به فرمان شاه‌عباس ثانی فرس‌نامه‌ای به نام *مضمار دانش* تألیف کرد (این کتاب به تصحیح نادر حائری و به همت مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۳۷۵ در تهران چاپ و منتشر شد).

وی *اسرارالاطباء* را در شناخت بعضی داروها به فارسی به نام *سلطان عبدالله* نوشت. کتاب دیگری به فارسی در درمان بواسیر دارد.

- شمسای گیلانی (وفات: بعد از ۱۰۶۰). از آثار اوست: رساله‌ای در اثبات حدوث عالم که نگارش آن را در سال ۱۰۴۵ در مشهد به پایان رسانید؛ رساله‌ای در وجود واجب و هستی مخلوقات؛ *رساله فی علم الله*؛ *رساله مسالک الیقین*؛ *رساله اثبات وحده الواجب*؛ *حاشیه شرح تجرید*؛ *رساله اظهار الکمال علی اصحاب الحقیقه و الحال* به فارسی؛ *رساله بیان احوال موجودات* به فارسی. این رساله‌ها و رساله‌های دیگر او در کتابخانه دانشگاه تهران موجود و از جمله کتب اهدائی شادروان استاد سید محمد مشکوه بیرجندی است.

- فیاض لاهیجی (وفات: ۱۰۷۲). از آثار اوست: *دیوان شعر*، *حاشیه جواهر و اعراض* شرح *تجرید قوشچی*، *حاشیه بر حاشیه ملا عبدالله یزدی بر تهذیب المنطق سعدالدین تفتازانی*، *حاشیه بر حاشیه خضری بر الهیات* شرح *تجرید*، *حاشیه بر شرح اشارات خواجه نصیرالدین طوسی*،



شوارق الالهام فی شرح تجرید الکلام خواجه نصیرالدین طوسی، الکلمات الطیبه در اصالت ماهیت یا اصالت وجود (داوری درباره نظر میرداماد و نظر ملاصدرا) که آن را به نام شاه عباس ثانی (۱۰۵۲-۱۰۷۸) نوشته، حدوث العالم، مشهورترین اثر او، گوهر مراد، که در آن، مطالب فلسفی و کلامی به زبان فارسی ساده و فصیح بیان شده است، سرمایه ایمان فی اثبات اصول العقاید الطريق البرهان، شرح الهیاكل فی حکمة الاشراق.

- قطب‌الدین لاهیجی (قرن ۱۱). از آثار اوست: محبوب القلوب؛ لطایف الحساب؛ خیرالرجال؛ شرح صحیفه سجادیه؛ فانوس خیال یا رساله مثالیه.

- حکیم مؤمن تنکابی (وفات: ۱۱۱۰)، صاحب تحفه المؤمنین به فارسی در طب که برای شاه سلیمان صفوی تألیف شده است. این کتاب، که به تحفه حکیم مؤمن معروف است و در سال ۱۰۸۰ نوشته شده، حاوی شرح گیاهان دارویی و ادویه مفرده و مرکبه است. شادروان احمد تفضلی واژه‌های گویشی آن را استخراج و منتشر کرده است («واژه‌های گویشی در تحفه المؤمنین»، نشریه شماره ۳، انتشارات اداره فرهنگ عامه، تهران ۱۳۶۱، ص ۹۵ به بعد). تحفه حکیم مؤمن نزدیک به سه قرن کتاب بالینی اطبای ایرانی بوده است.

- واصل لاهیجی، ملامحمد امین (وفات: بین ۱۱۱۵ و ۱۱۱۸ اصفهان). وی زاهد و ادیب و سخن‌شناس و سخن‌سرا بود. از آثار شعری او مثنوی خلوت راز نام برده شده است.

- زاهدی گیلانی، شیخ‌ابراهیم (حدود ۱۰۶۲-۱۱۱۹ لاهیجان). از آثار اوست: رافع الخلافه، حاشیه بر مختلف علامه حلی؛ کاشف الغواشی، حاشیه بر کشف؛ رساله در توضیح کتاب اقلیدس. حزین اشعاری از او در تذکره المعاصرین نقل کرده است.

- شیخ محمد بن ابوطالب زاهدی گیلانی (قرن ۱۲). وی رساله فرنامه خود را در حدود ۱۱۲۷ نوشت. دفتر فارسی دیگری دارد به نام رساله در خواص الحیوان (فهرست نسخه‌های خطی فارسی موزه بریتانیا، ج ۲، ص ۴۸۳) در یک مقدمه و دو باب.

- حزین لاهیجی، محمدعلی بن ابی‌طالب (۱۱۰۳ اصفهان - ۱۱۸۰ بنارس). پدرش از تبار شیخ زاهد گیلانی بود. او در فقه و اصول و حدیث و درایه و رجال و تجوید و کلام و عرفان و ریاضیات و نجوم و کاینات جو، متبحر و در شعر و ادب، توانا بود. حدود پنجاه هزار بیت شعر

به زبان فارسی و عربی سروده است. کلیات اشعار او شامل چهار دیوان و مثنوی‌های اوست. از آثار اوست: *سغینه علی حزین* در ذکر ۱۰۷ تن شاعر متأخر زمان او به ترتیب الفبا؛ *تذکره المعاصرین* در شرح حال صد تن از شاعران و عالمان معاصر مؤلف که با اغلب آنها دیدار داشته است.

- محمدحسن طالع گیلانی (قرن ۱۲). وی در اصفهان مقیم شد و به شاعری عَلم گردید. معاصر حزین بود و حزین اشعاری از او نقل کرده است.

عصر قاجاریه (۱۲۱۰-۱۳۴۴)

- میرزا احمد تنکابنی (قرن ۱۳)، حکیم‌باشی مخصوص فتحعلی شاه. *رساله اسهالیه* را در زمان فتحعلی شاه و *رساله لطلب السؤال* را در زمان محمدشاه قاجار نوشت. همچنین *رساله براء الساعه* (بیماری‌های اضطراری) رازی را، که شامل ۲۳ باب است، از عربی به فارسی برگردانده و هفت باب بر آن افزود.

- میرزا ابوالقاسم رشتی (۱۱۵۰-۱۲۳۱) روحانی و ادیب. نثری روان و دلششین و اشعاری نغز دارد که به حدود پنج هزار بیت فارسی و عربی بالغ می‌شود.

- مفتی (قرن ۱۳)، شیخ محمدصادق لاهیجی، روحانی و شاعر. در شعر، «مفتی» تخلص می‌کرد. قطعه و ترجیع‌بندی مفصل از او در دست است. قطعه مذکور را در وصف آتش‌سوزی مهیب گیلان (گویا آتش‌سوزی دوم در ۲۱ صفر ۱۲۵۷)، که نیمی از شهر را به کام کشید، سرود.

- سیدکاظم رشتی (۱۲۱۲-۱۲۵۹)، پیشوای فرقه شیخیه. بیش از ۱۵۰ تألیف از او در علوم و معارف اسلامی به یادگار مانده است.

- حاجی زین‌العابدین سراوانی (۱۲۲۰- در سال‌هاست سلطنت ناصرالدین شاه: ۱۲۶۴-۱۳۱۳). وی «حاجی» تخلص می‌کرد. از او چکامه‌ای در وصف قحط‌سالی گیلان بجا مانده است.

- حکیم صبوری رشتی (۱۲۶۲ یا ۱۲۶۷-۱۳۱۳). شاعری پرمایه و خوش‌ذوق و در شعر به شیوه سهل و ممتنع سعدی مقید بود. «صبوری» تخلص می‌کرد. دیوان او حاوی اشعار نغز و شیرین است. وی در موسیقی نیز صاحب‌نظر بود. دیوانش به چاپ رسیده است.



- فارغ رشتی (قرن ۱۳ و اوایل ۱۴)، شاعری میهن‌دوست و آزاده معرفی شده است. اشعار او در جواب ایرانیانی که در قفقاز بر ملت ایران طعنه می‌زدند در نسیم شمال سید اشرف منتشر می‌شد. در باغ بهشت، شعر «فوضولی موقوف» او به نام اشرف‌الدین حسینی آمده ولی در ستون ادبیات نسیم شمال در «جواب اشعار ملا نصرالدین تغلیسی» به نام فارغ ثبت شده است. بعید نیست که «فارغ» نام مستعار باشد.

- حاجی ملامحمدعلی (۱۲۳۴-۱۳۲۰)، فقیه و امام جمعه رشت. از آثار اوست: جبر و تفویض، سیاست مؤنن محافل العارفین، مرقاة الصعود لاهل المعرفة و الشهود شرح ابیات مثنوی.

- ملاباشی (قرن ۱۳)، حاج محمدباقر، روحانی عارف معاصر ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق)، از شیوخ سلسله نعمت‌اللهی لاهیجان. وی در مرثیه‌سرایی چیره‌دست بود. وی مورد توجه ناصرالدین شاه قرار گرفت و اشعارش در جنگ‌ها نقل شده است.

- حسام‌الاسلام دانش (۱۲۶۵-۱۳۴۶ق)، واعظی شیرین‌سخن و فصیح و بلیغ و پرمخاطب بود. به خدمت یکی از اقطاب سلسله ذهبیه تشریف یافت و دیری نگذشت که خود از مشایخ آن سلسله شد. هادی جلوه، دیوان او را به چاپ رسانیده و از دو تألیف ریحان اکبر و ریحان اصغر نام برده است.

- ابراهیم سراج (قرن ۱۴)، شاعر طنزپرداز و خوش‌قریحه گیلان. وی در بادکوبه به تجارت اشتغال داشت. پس از انقلاب اکبر، به زادگاهش، رشت، بازگشت و با تشکیلات نهضت جنگل، در هیئت اتحاد اسلام، همکاری کرد. اشعار گیلکی و فارسی از او بجا مانده است.

- شیخ ابوالقاسم (قرن ۱۴) ملقب به افصح المتکلمین، از مردم املش گیلان. وی روزنامه خیرالکلام را اندکی پس از افتتاح نخستین دوره قانون‌گذاری، در رشت منتشر کرد. در نکوهش استبداد محمدعلی شاه سخت بی‌پروا بود. پس از پیروزی آزادی‌خواهان، در روزنامه‌های ساحل نجات (انزلی) و خیال و راه خیال (رشت) به حریفان خود می‌تاخت. خیرالکلام در ۱۳۲۸ ق تعطیل شد.

- سیدمحمدتقی معروف به فخرداعی گیلانی (۱۲۹۷ق - ۱۳۸۴ق)، که با زبان‌های عربی و اردو و انگلیسی آشنا بود. صاحب تألیفات و ترجمه‌های متعدد است از جمله تاریخ ایران اثر سرپرسی



سایکس (۲ جلد)؛ تاریخ تمدن / اسلام و عرب اثر گوستاو لوبون (از روی ترجمه اردوی سیدعلی بلگرامی)؛ تاریخ علم کلام اثر شبلی نعمانی؛ مجموعه مقالات شبلی نعمانی؛ تفسیر قرآن اثر سیداحمدخان (۳ جلد)؛ تاریخ هند اثر امیرعلی؛ شعر/العجم اثر شبلی نعمانی (۵ جلد).

در دوران معاصر، نویسندگان بسیاری از مردم گیلان در شئون ادب و علوم و فنون، آثار برجسته‌ای به زبان فارسی پدید آوردند. جنبش مشروطیت، که گیلانیان در پیروزی آن سهم مؤثر و تعیین‌کننده داشتند، مشوق ظهور این آثار به ویژه در عرصه مطبوعات و نمایش‌نامه‌نویسی و شعر و ترجمه گردید.

در میان فارسی‌نویسان این دوره، روحانی، محقق ادبی و زبانی، محقق در علوم اجتماعی و تاریخ و باستان‌شناسی، شاعر، مترجم ادبی، مترجم علمی و تاریخی، داستان‌نویس، مترجم و محقق در علوم تجربی و ریاضی، نمایش‌نامه‌نویس، فرهنگ‌نویس، پژوهشگر در فرهنگ مردم، گویش‌شناس، مصحح متون می‌توان سراغ گرفت. از طایفه نسوان نیز شاعران و نویسندگانی ظهور کردند.

به‌خصوص، در چند دهه اخیر از روزگار نو، شمار ارباب قلم، به ویژه در عرصه شعر، در مقیاس نظری رو به فزونی نهاد.

طی صد سال اخیر، شاهد فعالیت ادبی و علمی چهار نسل از نویسندگان و مؤلفان و مصححان و شاعرانیم: ۱. نسل متعلق به نهضت مشروطیت، ۲. نسل متعلق به دوره سلطنت رضاشاهی، ۳. نسل متعلق به دوره سلطنت محمدرضا شاه (دوران اوج چپ، دوران مصدق، دوران پس از کودتا، دوران انقلاب سفید) ۴. نسل متعلق به سال‌های پس از انقلاب اسلامی.

البته عده‌ای از اثرآفرینان چند دوره یا همه این دوره‌ها را درک کرده‌اند ولی رونق حیات فرهنگی آنان بیشتر در یکی از آنها بوده است.

در هر یک از این دوره‌ها، شاخه‌ای از فعالیت ادبی: در نهضت مشروطه، روزنامه‌نگاری و نمایش‌نامه‌نویسی و شعر و تصنیف سیاسی، در دوره سلطنت رضاشاهی، تحقیق علمی و ادبی و ایران‌شناسی؛ در مراحل متعدد دوره سلطنت محمدرضا شاه، ترجمه آثار مکتبی و ادبیات داستانی و روزنامه‌نگاری و ادبیات نمایشی و شعر و، به موازات آنها، تحقیقات علمی و ادبی و زبانی و



تصحیح متون و فرهنگ‌نویسی، در سال‌های پس از انقلاب، تحقیقات گیلان‌شناسی و داستان‌نویسی و تصحیح متون و تحقیقات ادبی و زبانی.

در سراسر این دوره‌ها، نویسندگان، شاعران، مترجمان و محققانی از گیلان زمین ظهور کردند که در مقیاس ملی و گاه جهانی شهرت یافتند و بسیاری از آنان به مقامات بلند دانشگاهی در ایران و احیاناً در دانشگاه‌های معتبر اروپا و آمریکا رسیدند.

عده‌ای از این فرهیختگان به عضویت پیوسته فرهنگستان‌ها در دوره‌های گوناگون درآمده‌اند و از زمره چهره‌های ماندگار قلمداد شده‌اند.

معرفی همه گیلانیانی که در روزگار معاصر از طریق یا طرّقی به زبان و ادب فارسی خدمت درخور ذکر کرده‌اند در حوصله این مقال نمی‌گنجد و ما ناچار به ذکر شماری از برجستگان آنان در حوزه‌های متعدد اکتفا می‌کنیم.

در عرصه شعر، سوای سرایندگانی چون حکیم صبوری و حسام‌الاسلام (دانش) که ذکرشان گذشت، از اسماعیل دهقان، محمدتقی حدیدی، محمدباقر طاهری، ابراهیم پورداود، ادیب‌السلطنه سمیعی، راد بازقلعه‌ای (افراشته)، گلچین گیلانی، سایه (بتهاج)، و زهری باید یاد کرد.

- اشعار اسماعیل دهقان (۱۳۰۴ق/ ۱۲۶۷ش رشت - ۱۳۲۵ش) در *روزنامه جنگال* منتشر می‌شد. وی ریاست اولین انجمن ادبی گیلان را که در سال ۱۳۲۳ ش تأسیس شد به عهده گرفت. دیوان او به نام *مجموعه اشعار دهقان* در سال ۱۳۳۰ چاپ و منتشر شد.

- از محمدتقی وهاب‌زاده حدید (۱۳۰۱ق انزلی - ۱۳۳۱ش انزلی)، هواخواه مشروطیت نهضت جنگل، دیوان اشعاری مشتمل بر ده هزار بیت بجا مانده است. وی، درباره اوضاع ایران، قصیده انتقادی مفصلی در ۸۰ بیت دارد. در ساختن اشعار گیلکی نیز مهارت داشت. ادیب‌الممالک فراهانی و ملک‌الشعرا بهار قدر او را می‌شناختند. هوش سرشار و حافظه قوی داشت و قصاید بلند را از بر بود.

- محمدباقر طاهری (۱۲۷۰ش رشت - مرداد ۱۳۳۱)، دیوان *جام/حمیدی* او به چاپ رسیده است. نسخه‌ای از مثنوی *سرنامه* او نیز نزد یکی از مریدانش بجا مانده است. در اشعار عرفانی



خود، «سر» یا «سری» تخلص می‌کرد و نزد اهل طریقت به سرالحق مشهور بود. وی در ابن بابویه مدفون است.

- ابراهیم پورداود (۱۲۶۴ ش رشت - ۱۳۴۷ تهران)، صرف‌نظر از مقام والایش در عرصهٔ ایران‌شناسی و فرهنگ ایران باستان، شعر نیز می‌سرود و مجموعهٔ اشعار او به نام *پوران‌دخت‌نامه* در سال ۱۳۰۶، با ترجمهٔ انگلیسی، در بمبئی چاپ و منتشر شد.

- راد بازقلعه‌ای (افراشته) (۱۲۸۷ ش روستای بازقلعهٔ رشت - ۱۳۳۸ ش). در اینجا، مجال آن نیست که دربارهٔ شأن و منزلت ادبی افراشته در جهان ادب و شعر فارسی در حد مطلوب ادای حق شود. هنرهای افراشته، هر چند در شعر منعکس است، به زبان تحقیقی هنوز بیان نشده است. وی، نه تنها در مقیاس محلی که در مقیاس ملی، چهرهٔ ادبی ممتازی است. هنرنمایی‌های او آنچنان که شاید و باید بیان و ساخته نشده است. افراشته شاعری است صاحب سبک و در زمینهٔ انتقاد اجتماعی و خلیقات و مناسبات در ادبیات ایران شاید بتوان گفت بی‌نظیر. وی از افتخارات مسلم گیلان و گیلانیان در عرصهٔ شعر و ادب است و نامش شایسته است که در تاریخ ادبی ایران ثبت شود و خواهد شد. هیچ هنرمندی به مهارت و استادی او مناسبات مالک و رعیت را در گیلان به تصویر نکشیده است. او در منظومهٔ گیلکی *چهار فصل* تنها شاعر نیست، نمایش‌نامه‌نویس نیز هست. ارباب و رعیت، در موقعیت‌های متفاوت، هر یک به زبان خود، منش خویش را نشان می‌دهند. افراشته در این منظومه هم ارباب است هم رعیت. در عالم واقع نیز، او به نوعی دورگه بود: مادرش روستایی و پدرش تاجر مالک. خود او در بیتی گیلکی این نسب را به طنز بیان می‌کند:

افراشته پر آدم و انسان بو بمرکه اشاعر کذاب جه ماری گيله مرده

«پدر افراشته آدم و انسان بود مُرد این شاعر کذاب از مادر گيله مرد (دهاتی) است»

افراشته، به قول پاینده، «کاروان‌سالار و راه‌گشای شعر گیلکی و پیشگام همهٔ شاعران پویندهٔ گیلان است و جای پای او، در فراز و فرود راه ناهموار ادبیات گیلک، پیشاپیش همهٔ گیلکی‌سرایان پیداست». وی یگانه گیلکی‌سرای است که اصالت دستوری زبان گیلکی را به کمال حفظ کرده و تحت تأثیر ساخت‌ها و الگوهای فارسی قرار نگرفته است.

- ادیب السلطنه حسین سمیعی (۱۲۵۲ ش رشت - ۱۳۳۲ ش تهران)، مرد ادب و سیاست. در شعر «عطا» تخلص می‌کرد. قصیده‌ای درباره جنگ بین الملل اول دارد به مطلع

در دیده من نقص و علتی است یا منظره‌ها را نقیصتی است

در قالب و موضوعات متعدد طبع آزمایی کرده است. دیوانش با مقدمه مبسوط فرزندان، حسن سمیعی، در سال ۱۳۳۵ به چاپ رسید. وی با ملک الشعرای بهار مکاتبه منظوم داشت. از تألیفات او *آئین نگارش* را باید نام برد که نخستین تألیف مدون جدید در این باب است.

- گلچین گیلانی (۱۲۸۹ ش رشت - آذر ۱۳۵۱)، مجدالدین میرفخرائی، هنوز دوره دبیرستان را به پایان نرسانده بود که دو شعر از او در *مجله فروغ رشت* چاپ شد. در انجمن ادبی ایران به ریاست شیخ‌الرئیس افسر عضویت داشت. چند قطعه شعر از او در *روزگار نو*، چاپ لندن، منتشر شد که شعر «برگ» از آن جمله بود. ظاهراً پس از سفر به انگلستان، دفتر شعری با عنوان نهفته منتشر ساخت. دفتر شعر دیگری با نام مهر و کین در تهران منتشر کرد که منظومه‌ای است ضد جنگ و ظاهراً در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ - ۱۳۲۵ سروده شده است. سال‌ها پس از آن، مجموعه دیگری از او با عنوان *گلی برای تو* در تهران به چاپ رسید. با انتشار شعر «باران» او، در *مجله سخن* در سال ۱۳۲۳، شهرت یافت. «پرده پندار» او، که در سال ۱۳۲۶ در ماهنامه جهان نو چاپ شد، نمونه بهترین و زیباترین اشعار گلچین شمرده شده است. گلچین گیلانی شاعر باران و ستایشگر زیبایی‌های طبیعی گیلان و احیاگر خاطرات روزگار خوشی است که هنوز خلیات و آداب و رسوم و فرهنگ و معماری منظم و سامان‌مند گیلان دچار آشفته‌گی نشده بود. نادرپور درباره این شاعر گفته است: «سخنش، همچون سرود جاوید کودکی و جوانی، آهنگی شاد و سبکبار دارد».

- سایه (۱۳۰۶ ش)، هوشنگ ابتهاج. غزل‌سرای قهار و شیرین بیان و بدیع گفتار. *سایه‌مشق‌های* او لطف و ظرافت و باریک‌اندیشی و طرفه‌کاری‌های حافظ را به یاد می‌آورد. در سروده‌های او غث و سمین نمی‌توان یافت. هر بیت او بیت‌الغزل عشق و شور عاشقانه است - دردانه‌هایی که به رشته کشیده شده و در آنها تشخیص واسطه‌العقد دشوار است، چون یکی از دیگری آبدارتر



است. از او مجموعه‌هایی به نام نخستین نغمه‌ها، سراب، سیاه‌مشق، شبگیر، چند برگ از یلدا، زمین، تا صبح شب یلدا، یادگار خون سرو، آینه در آینه منتشر شده است.

- زهری (۱۳۰۵ روستایی در شهنسوار)، از او مجموعه‌های شعری به نام‌های جزیره، گلایه، شب‌نامه، تنمه، مشت در جیب، بیریا گفت و بانگ صحرا منتشر شده است.

از میان ده‌ها شاعر سنت‌گرا و نوپرداز گیلانی، سوای اینان چهره‌هایی چون خلیل دانش‌پژوه، دیهیم، سرتیپ‌پور، پاینده، ثاراللهی، مه‌کامه محمص، اشرف مشکوتی کمابیش شاخص گشته‌اند. در نسل‌های بعدی، پارسی‌گویانی چون فیض ربانی، شهنازی سراغ داریم که چراغ عمرشان زود هنگام خاموش شد و آنچه از آنان بجا مانده از ذوق و قریحه‌ای بارور و جوشان و خلاق خبر می‌دهد. همچنین در آثار شاعرانی چون جفروودی، بهمن صالحی، محمود طیار، فریدون گیلانی، تیمور گرگین، غلامرضا مرادی، راما (محمد امین لاهیجی) جرقه‌های الهام و ذوق دیده می‌شود.

اما، در عرصه ادبیات داستانی، هر چند در سال‌های اخیر عده‌ای از جوانان گیلانی به آن روی آوردند و آثاری پدید آوردند، هنوز داستان‌نویس برجسته و ممتازی ظهور نکرده است. در این زمینه، زویا پیرزاد استثناست. از او چند مجموعه داستان به نام‌های مثل همه عصرها، طعم گس خرمالو، یک روز مانده به عید پاک و رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم، که برنده جایزه رمان سال هم شده، همچنین آخرین اثر او، عادت می‌کنیم، منتشر شده که عموماً مورد ستایش جامعه ادبی ما قرار گرفته است. از به‌آذین، مترجم و نویسنده رشتی نیز مجموعه داستان ما نگه‌دیم (ماه رخسار) و رمان دختر رعیت منتشر شد. اما خلاقیت او بیشتر در ترجمه ادبیات داستانی جلوه‌گر شده است. در این حوزه، از مجید دانش آراسته و ابراهیم رهبر نیز باید نام برد که مجموعه داستان‌هایی از آنان منتشر شده است.

در عرصه ترجمه خلاق، کریم کشاورز و به‌آذین در صحنه مقدم جای دارند: کشاورز با ترجمه موثریکها از چخوف؛ دوئروسکی از پوشکین؛ آشفالدونی از کارولینا ماریا دژزوس؛ باران سیاه از ماسودزی ایبوسه؛ قهرمان دوران و بلا از لرمانتوف؛ دشمنان و دوران کودکی از گورکی؛ موضوع روسیه از سیمونوف؛ عشق بی‌پیرایه از واندا واسیلوسکایا؛ زارع شیکاگو از مارک توآین؛ شهر در تاریکی از پرستلی؛ لبخند بخت از موپاسان؛ بازی با مرگ از ارل استانیلی گاردنر؛ کودکی،



نویاوغی، جوانی از تولستوی؛ جنایتی در گابون و کارد و طناب با سه داستان دیگر از ژرژ سیمنون؛ افسانه‌های کردی از رودنکو؛ شهریار کوهسار از ادمون آبو؛ به‌آذین با ترجمه ژان کریستف و جان شیفته از رومن رولان، دُن آرام از شولوخف و سوسن دره از بالزاک. در سال‌های اخیر، محمدتقی غیائی (مترجم آثار پروست و زولا) و هادی غبرائی و خسرو سمیعی نیز از مترجمان پرکار ادبیات داستانی بوده‌اند.

طی سال‌های جنبش مشروطیت به ترجمه نمایش‌نامه در گیلان توجه خاصی مبذول شد. حسن ناصر در این راه مشوق مترجمان از جمله کریم کشاورز گردید. پس از سقوط رضاشاه نیز، نهضت ترجمه نمایش‌نامه در رشت به همت گرامی، از تحصیل‌کردگان ایرانی در فرانسه، رونق گرفت.

گیلان‌شناسی نیز علاقه عده‌ای از محققان گیلانی و غیرگیلانی را جلب کرد. از گیلانیان، کریم کشاورز، سرتیپ‌پور، فخرائی، مرعشی، پاینده، خمami‌زاده، جکتاجی، مدنی، محمدعلی گیلک، شیخ بهاءالدین املشی، فرض‌پور ماچیان، سادات اشکور، ملک‌زاده، ابوالحمد، محمد روشن، خسرو خسروی، فریدون نوزاد، دکتر محمدعلی فائق، دکتر علی فروحی، میراحمد طباطبائی، تیمور گرگین، عبدالکریم گلشنی، شیخ محمد مهدوی سعیدی لاهیجانی، از غیر گیلانیان ایرانی، ستوده، احمد کتابی؛ و از ایران‌شناسان، رابینو، کریستین‌سن، خودزکو، بارتلد، استارگویا ... را باید نام برد.

در این زمینه، دستاورد منوچهر ستوده (از آستارا تا استاریاد و واژه‌نامه گیلکی-فارسی) بسیار ارزشمند است. رضا مدنی مقدم (۱۳۲۲ رشت - ۱۳۶۵ اشتهکار) نیز تحقیق جامعی با عنوان «کتابشناسی و بررسی واژه‌نامه‌ها، دستورنامه‌ها، نوشته‌های گیلکی و دیلمی و تالشی از سده هشتم تاکنون» در گیلان‌نامه (جلد ۲، ۱۳۶۸، ص ۳۳۶-۳۸۱) منتشر ساخته و در آن، آثار ایران‌شناسان اروپایی را نیز معرفی کرده است. این تحقیق می‌توان گفت فهرست کاملی از اهم آثار مکتوب درباره گیلان به دست می‌دهد و از این نظر فوق‌العاده باارزش است.

از چهره‌هایی که در عرصه گیلان‌شناسی نام بردیم، می‌توان گفت کسانی تمام کارهای تحقیقاتی خود را وقف همین حوزه کردند. ابراهیم فخرائی، منشی مخصوص میرزا کوچک‌خان،



ناشر روزنامه هفتگی پیام، سردبیر روزنامه طلوع، ناشر مجله فروغ، آثار متعددی درباره گیلان و گیلانیان و زبان گیلکی منتشر ساخت. از جمله این آثار است: *سردار جنگل*؛ گیلان در جنبش مشروطیت؛ گیلان در گذرگاه زمان؛ گیلان در قلمرو شعر و ادب؛ گزیده ادبیات گیلکی؛ و امثال گیلکی (چاپ نشده).

جهانگیر سرتیپ‌پور (۱۲۸۲ ش - ۱۳۷۱)، علاوه بر نگارش چند نمایش‌نامه برای هیئت تئاترال جمعیت آزاد ایران، آثار متعددی در حوزه گیلان‌شناسی منتشر ساخت، از جمله *گیلان‌نامه* (در تعرفه محصولات کشاورزی و اوضاع طبیعی گیلان)؛ *اوخان* (شامل ۷۰ تصنیف گیلکی که آهنگ ۱۵ تای آنها را خود او ساخته است)؛ *نشانی‌هایی از گذشته دور گیلان*؛ *ویژگی‌های دستوری و فرهنگ واژه‌های گیلکی*؛ *نام‌ها و نام‌دارهای گیلان*؛ *ریشه‌یابی واژه‌های گیلکی* (متضمن وجه تسمیه بعضی از شهرها و روستاهای گیلان).

از جعفر خمami زاده (۱۲۹۹ ش)، ترجمه‌های باارزشی درباره گیلان انتشار یافته، از جمله *ولایات دارالمرز ایران*، *گیلان اثر رابینو*، *روزنامه‌های ایران از آغاز تا سال ۱۳۱۹ هجری قمری* اثر رابینو؛ *صنعت نوغان در ایران* اثر رابینو؛ *گویش گیلکی* اثر کریستین سن؛ *دریای خزر اثر مفخم پایان*؛ *برنج در گیلان و ولایات جنوب دریای خزر*، اثر الکساندر و خودزکو (در دست انتشار). وی *تاریخ کتابخانه‌های گیلان* را نیز تألیف و منتشر ساخته است.

در زمینه فرهنگ‌نویسی، علاوه بر *واژه‌نامه‌های گیلکی* ستوده و سرتیپ‌پور، از *واژه‌نامه گویش گیلکی* احمد مرعشی و *گیله گب* (فرهنگ گیلکی - فارسی) که اخیراً فریدون نوزاد منتشر ساخته باید یاد کرد.

سرانجام، باید از مجموعه حجیم *کتاب گیلان* نام برد که تاکنون سه جلد آن به کوشش گروهی از پژوهشگران و به همت درخور ستایش آقای عربانی منتشر شده است و حاوی اطلاعات وسیع و پرازشی درباره گیلان و شئون گوناگون جغرافیایی و تاریخی و اقتصادی و حیات علمی و فرهنگی آن سرزمین است.^۳

در عرصه تحقیق در زبان و ادب فارسی و فرهنگ ایرانی، چهره‌های برجسته‌ای از گیلان ظهور کرده‌اند که چندان نیاز به معرفی ندارند. در رأس آنان، ابراهیم پورداود (۱۲۶۴ ش -



۱۳۴۷ش) قرار دارد که اوستا را به زبان فارسی برگرداند و درباره آن به تحقیق زبانی و محتوایی پرداخت. یارشاطر این ترجمه را از مهم‌ترین آثاری ارزیابی کرده که از آغاز مشروطیت به فارسی انتشار یافته است. او ترجمه اوستای پورداود را دقیق و قابل اعتماد و گنجینه گران‌بهایی از اطلاعات گوناگون درباره فرهنگ و اساطیر و ادیان و تاریخ ایران باستان شمرده است. قزوینی نیز در ستایش آن، چه از حیث محتوا و چه از حیث زبان، داد سخن داده است. پورداود بنیان‌گذار رشته فرهنگ ایران باستان در دانشگاه تهران بود. وی، علاوه بر دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، در دانشکده حقوق نیز «حقوق در ایران باستان» را تدریس می‌کرد. وی در زمینه فرهنگ ایران باستان آثار پرارزش متعددی دارد که معروف‌اند و نیازی به ذکر یک‌یک آنها نیست.

سپس از شاگرد ممتاز او، محمدمعین باید یاد کرد که رساله دکتری خود را با عنوان *مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات* به راهنمایی استاد پورداود گذراند. وی با دهخدا در سازمان لغت‌نامه همکاری مستمر و نزدیکی داشت و در سرپرستی این سازمان جانشین او شد. علاوه بر حواشی پرارزش بر *همن قاطع* و *فرهنگ فارسی*، نخستین فرهنگ فارسی جامع جدید که سالیان متمادی بی‌رقیب ماند، در زمینه ایران‌شناسی و دستور زبان فارسی و تصحیح متون آثار پرشماری دارد که به ذکر آنها حاجت نیست.

پس از این دو چهره برجسته، که جایگاه و شهرت جهانی در عرصه ایران‌شناسی یافته‌اند، باید از مصحح خستگی‌ناپذیر متون، محمد روشن یاد کرد که آثار تصحیحی متعددی به جامعه ادبی ایران تقدیم داشته است از جمله *تفسیر سوره یوسف؛ الستین الجامع للطائف البساتین؛ جنگ‌نامه حضرت سیدجلال‌الدین اشرف؛ لمعة السراج لحضرة الديباج؛ بختیارنامه؛ منشآت خاقانی؛ بخشی از تفسیری کهن؛ مشروطه گیلان از یادداشت‌های رابینو به انضمام وقایع مشهد؛ داستان فرود؛ مرزبان‌نامه (۲ جلد)؛ شرف‌النبی؛ ترجمه کلیله و دمنه؛ داستان‌های بیدپای؛ شرح التعرف لمذهب التصوف (۵ جلد)؛ جامع التواریخ (۴ جلد به همراهی مصطفی موسوی)، تاریخ‌نامه طبری (۵ جلد) و روضة‌العقول.*



سرانجام باید به دستاورد ارزشمند عبدالعلی طاعتی (۱۲۹۷ ش - ۱۳۵۷ ش) در تصحیح و تحشیۀ صحاح الفرس اشاره شود که رسالۀ دکتری او بود و به راهنمایی استاد فروزانفر گذرانده و به همت بنگاه ترجمه و نشر کتاب منتشر شد.

در عرصۀ مطبوعات فارسی نیز، گیلانیان سهم به‌سزایی یافتند. فهرست جراید و مجلات گیلان از ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۷ قمری در گیلان در گذرگاه زمان ابراهیم فخرائی درج شده است که بیش از ۶۰ مجله و روزنامه را دربرمی‌گیرد. در این زمینه، از سید اشرف، محمود طلوع، حسین کسمائی، ابراهیم فخرائی، غلامحسین نوری، مدنی، محمدعلی گیلک، میرصالح مظفرزاده، جکتاجی، دکتر محمدعلی فائق، سیدمحمد نائب باید یاد کرد که در تأسیس یا سردبیری نشریات و یا همکاری با آنها سهم داشتند.

در زمینه رشته‌های متعدد علوم انسانی نیز، محققان و مترجمانی از گیلان برخاستند و آثار متعددی پدید آوردند که بعضاً در نوع خود کم‌نظیر است. از جمله پدیدآورندگان و مترجمان آثار در این حوزه‌اند: محمدجعفر جعفری لنگرودی در رشته حقوق؛ علی حاکمی در باستان‌شناسی؛ عبدالکریم گلشنی در رشته تاریخ؛ سیروس سهامی در رشته جغرافیا؛ عنایت‌الله رضا در تاریخ و ایران‌شناسی و جغرافیای تاریخی؛ خسرو خسروی در جامعه‌شناسی؛ باقر قدیری اصلی در اقتصاد؛ احمد مهرداد در تاریخ سیاسی و روابط بین‌الملل. در این عرصه، کریم کشاورز مترجمی پرکار بود. وی آثار ارزشمندی از ایران‌شناسان شوروی را به فارسی برگرداند که ازجمله آنها نهضت سرداران و کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول و اسلام در ایران از پتروشفسکی؛ اشکانیان و تاریخ ماد از دیاکونوف؛ تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده ۱۸ میلادی از پیگولوسکایا و دیگران؛ آبیاری در ترکستان و ترکستان‌نامه از بارتلد و همچنین گزیده مقالات تحقیقی او؛ مقدمۀ فقه اللغة ایرانی از اورانسکی. کشاورز، علاوه بر اینها، خاطره‌های جنگ دوم جهانی (جلد ۳) اثر دوگل را به فارسی برگرداند و آثار دیگری چون حسن صباح، گیلان (برای جوانان)؛ یادداشت‌های سفر حسنک یزدی به گیلان (برای کودکان)؛ هزار سال نشر پارسی (مجموعۀ منتخبات در ۵ جلد)؛ ۱۴ ماه در خارک (یادداشت‌های دوران تبعید پس از ۲۸ مرداد) را تألیف کرد.



عنایت‌الله رضا، علاوه بر ترجمه آثار تاریخی مانند *اوراتو اثر پیوتروسکی*؛ تمدن *ایران ساسانی* اثر لوکونین که برنده بهترین ترجمه سال (۱۳۵۰) شد؛ اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده‌های ۴-۶ میلادی از پیگولوسکایا و چند اثر دیگر از زبان روسی؛ آثار تألیفی متعددی دارد از جمله بخشی از مجموعه آب و فن آبیاری در ایران باستان؛ آذربایجان و اران (آلبانیای قفقاز) که ترجمه روسی آن نیز (ایروان ۱۹۹۳) منتشر شد و همچنین مقالات متعددی در حوزه جغرافیای تاریخی در *دایرة المعارف بزرگ اسلام*.

جعفری لنگرودی در حقوق، فلسفه، تاریخ و ادب فارسی تألیفات متعددی دارد. از جمله آثار اوست: کامل المیزان، منظومه عربی در منطق صورت (مشهد ۱۳۶۷ق)؛ التقرب الی حاشیه التهذیب به عربی (۱۳۶۸)؛ اصول فلسفی حقوق؛ فرهنگ حقوقی؛ تاریخ حقوق ایران از انقراض ساسانیان تا آغاز مشروطه؛ دانشنامه حقوقی (دوره کامل علم اصول و مباحث عمده‌ای از حقوق اسلام)؛ ترمینولوژی حقوق؛ تاریخچه سازمان قضائی در حقوق اسلامی؛ مکتب‌های حقوقی در حقوق اسلام؛ دایرة المعارف علوم اسلامی (۳ جلد)؛ شخصیت معنوی حافظ؛ راز بقای ایران در سخن فردوسی؛ راز بقای ایران در سخن مولوی؛ راز بقای ایران در سخن نظامی.

خسرو خسروی در زمینه جامعه‌شناسی و تاریخ، پژوهش‌های علمی باارزشی انجام داده که نتایج آنها در آثار متعدد او منعکس گردیده است؛ از جمله در *جامعه‌شناسی روستائی ایران*، *نظام‌های بهره‌برداری از زمین (از ساسانیان تا سلجوقیان)*؛ پژوهشی در *جامعه روستائی ایران*، مسئله ارضی و مسئله دهقانی؛ *جامعه دهقانی در ایران*؛ *دهقانان تهی‌دست*؛ *دهقانان توانگر*؛ *دهقانان خرده‌پا*، *جامعه‌شناسی ده در ایران*؛ *جزیره خارک در دوره استیلای نفت*؛ *مزدک و همچنین مقالات متعدد در حوزه جغرافیای تاریخی در دانشنامه جهان اسلام*.

علی حاکمی، باستان‌شناس برجسته، کاوش‌های متعددی از جمله در خورویین (شهرستان کرج، گنج‌تپه)، حسنلو (ارومیه)، گاومیش‌گلی (میاندوآب)، خورهه (محلات)، علی‌آباد فرشگان (فیروزآباد فارس)، اسماعیل‌آباد (ساوجبلاغ)، دشت لوت، تپه کسری (ملایر) و همچنین در گیلان (عمارلو، نسفی) انجام داد. نتایج این کاوش‌ها در مقالات متعدد و تألیفات او از جمله *کاوش‌های*



گیلان و کاوش‌های شهداد، که مؤسسه شرق‌شناسی ایتالیا به چاپ آن اقدام کرد، منعکس شده است.

در رشته علوم تجربی و ریاضی باید از پروفیسور فضل‌الله رضا، علی زرگری، محمود بهزاد، مهدی تجلی‌پور، محمدعلی مجتهدی، آل‌بویه، و بهمن مهری (استاد ریاضیات در دانشگاه صنعتی شریف و مؤلف محاسبات عددی) نام برد.

پروفیسور فضل‌الله رضا در ریاضیات کاربردی و نظریه اطلاعات از صاحب‌نظران و پیشگامان جهان معاصر است. وی، علاوه بر این، تألیفات ارزشمندی در عرصه تحقیق ادبی دارد که از جمله آنهاست: نگاهی به شاهنامه، پژوهشی در اندیشه‌های فردوسی (۲ جلد)، برگ بی‌برگی، مهجوری و مشتاقی که در آنها از دیدگاه‌های تازه‌ای شاهکارهای ادب فارسی را بررسی و تحلیل کرده است.

علی زرگری، اثر تحقیقی پرارزشی با عنوان گیاهان دارویی در پنج جلد دارد که در سال‌های ۱۳۳۱ و ۱۳۷۲ برنده جایزه کتاب سال شد. روش شناسایی گیاهان او در ۳ جلد نیز برنده جایزه کتاب سال ۱۳۴۲ شد.

محمود بهزاد از مترجمان پرکار به ویژه در عرصه زیست‌شناسی است. وی در آثار ترجمه‌ای خود زبانی روشن و روان و ساده دارد که باعث استقبال علاقه‌مندان به کتاب‌های علوم به زبان ساده شده است. ترجمه سرگذشت زمین اثر جورج گاموف او برنده جایزه سلطنتی شد. شمار تألیفات و ترجمه‌های او از ۷۰ متجاوز است.

مهدی تجلی‌پور در زمینه جانوران کف‌زی به ویژه نرم‌تنان تحقیقات پرارزشی دارد. وی در خلیج فارس، دریای عمان، دریای خزر و آب‌های داخلی ایران عملیات پژوهشی خود را انجام داد و ۱۱ نمونه از نرم‌تنان دریای خزر را اول بار به جهان دانش شناساند. اثر علمی او به نام بررسی جانوران بستر دریای خزر (آستارا- انزلی) که به همت انجمن علوم و فنون دریایی ایران به چاپ رسیده و نرم‌تنان مرواریدساز خلیج فارس حاصل این پژوهش‌هاست.

از محققان در معارف اسلامی، میرزای رشتی؛ محمدعلی مدرسی چهاردهی؛ مهدی لاکانی؛ سیدحسن معصومی اشکوری؛ حاج شیخ یوسف جیلانی؛ حاج شیخ محمد محمدی معروف به



گیلانی؛ زین‌العابدین قربانی؛ صدرائی اشکوری؛ محمدباقر محقق؛ صادق احسان‌بخش را باید نام برد که هر یک صاحب تألیفات عدیده به زبان فارسی‌اند. از این مؤلفان، بعضی در شعر نیز طبع آزمایی کرده‌اند.

- در این گفتار، سعی شده است تصویری جامع از خدمات گیلانیان به زبان و ادب فارسی در حوزه‌های گوناگون عرضه گردد. طبیعی است که در این مجال میسر نبود از همه کسانی که در این خدمات سهم بوده‌اند نام برده شوند. در مورد کسانی که از آنان یاد شد، نیز چنان‌که باید و شاید، ادای حق نشده است. همین قدر این فرصت دست داده است که توجه جامعه علم و ادب ایران به نتایج کوشش‌های ارزشمندی که فارسی‌نویسان گیلان در پدید آوردن آثار علمی ادبی نشان داده‌اند جلب شود که اگر این توفیق دست داده باشد سزاوار شکر و سپاس است.

پی‌نوشت‌ها

۱. دکتر فروچی، پزشک و گیلان‌شناس، آن را در دست تصحیح دارد.
۲. این منظومه به تصحیح نصرالله پورجوادی در سال ۱۳۸۳ منتشر شده است (ضمیمه شماره ۱۷ نامه فرهنگستان).
۳. این کتاب از منابع اساسی بلکه مهم‌ترین منبع این تحقیق بوده است.

منابع

- تتوی، قاضی احمد، آصف‌خان قزوینی، تاریخ‌الغی، تصحیح سید علی آل داود، انتشارات کلبه و شرکت انتشاراتی فکر روز، تهران، ۱۳۷۸.
- حقیقت، داود، تذکرة الشعراء، رشت، بی‌تا.
- سرتیپ‌پور، جهانگیر، اوخان، گردآوری فهیمه اکبر، رشت، بی‌تا.
- سرتیپ‌پور، جهانگیر، نامها و نامدارهای گیلان، نشر گیلکان، رشت، ۱۳۷۰.
- شعر نواز آغاز تا امروز (۱۳۰۱-۱۳۵۰)، انتخاب و مقدمه و تفسیر از محمدحقوقی، شرکت سهامی کتابهای جیبی، تهران، ۱۳۵۱.
- شعرهای گیلکی / فرشته (محمدعلی رادبازقلعه‌ای)، گردآوری و برگردان به فارسی محمود پاینده لنگرودی، نشر گیلکان، رشت، ۱۳۷۴.
- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱/۵، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۶؛ ج ۲/۵، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۴.
- فخرائی، ابراهیم، گیلان در قلمرو شعر و ادب.
- کتاب گیلان، ج ۲، انتشارات گروه پژوهشگران ایران، تهران، ۱۳۷۴.
- لاهیجی، حزین، تذکرة المعاصرین، مقدمه و تصحیح و تعلیقات معصومه سالک، نشر میراث مکتوب، تهران، ۱۳۷۵.



- مجموعه آثار محمدعلی افراشته، گردآوری نصرت الله نوح، انتشارات توکا، تهران، ۱۳۵۸.
- مدنی، رضا، «کتابشناسی و بررسی واژه‌نامه‌ها، دستورنامه‌ها و نوشته‌های گیلکی و دیلمی و تالشی از سده هشتم تاکنون»، در گیلان‌نامه (مجموعه مقالات گیلان‌شناسی)، ج ۲، به کوشش م.پ. جکتاجی، انتشارات طاعتی، رشت، ۱۳۶۹.
- مرعشی، سیدظهرالدین، تاریخ گیلان و دیلمستان، تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۷.
- نامه‌های خان احمد خان گیلانی، به کوشش فریدون نوزاد، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران، ۱۳۷۳.
- هاشمی سندیلوی، شیخ احمد علی‌خان، تذکره مخزن الغرائب، ج ۵، به اهتمام دکتر محمدباقر، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد ۱۳۷۳/۱۹۹۴.